

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۲۹.۰۱.۱۰

CIA

در افغانستان

به ادامه گذشته:

ب:- ایران:

قبل از آنکه بحث خویش را در رابطه با تلاشهای "سی.ای.ای" در ایران ادامه دهیم، لازم می دانم دو نکته را تذکر
دهم:

نخست ابراز سپاس بیکران خدمت آن خوانندگان گرامی که از بابت نوشته بر این قلم لطف نموده و با ابراز علاقه
مندی به ادامه آن بر من منت گذاشته اند.

نکته دوم عرض پوزش خدمت آن عده از خوانندگانی که بزرگواری به خرچ داده، نام های چندی را به ارتباط
فعالیت های استخباراتی برای نهاد های امنیتی خارجی تذکار داده اند. خدمت این دوستان باید به عرض برسانم که
از نام های ارسالی به یقین در زمان و مورد لازم آن یاد آوری صورت خواهد گرفت. امیدی که از این دوستان دارم
دقت در معرفی افراد است، چه با در نظر داشت آنکه اصل را باید بر برانیت افراد گذاشت مگر اینکه خلاف آن به
اثبات برسد، نباید در به کاربردن و معرفی افراد شتابزده عمل کرد زیرا در آن صورت به علاوه آنکه احتمال بازی
با آبروی بیگناهان زیاد می شود و از اهمیت تحقیقی نوشته می کاهد، در انبوه اتهامات افراد اصلی که خاین اند و
می باید افشاء شوند، امکان آنرا می یابند تا خود را پنهان نمایند. از آنرو ضمن آنکه خدمت خوانندگان و عده داده می
شود که در قسمت های بعدی نوشته از مواد ارسالی آنها استفاده لازم به عمل خواهد آمد، صمیمانه از ایشان تقاضاء
می نمایم، تا حین بردن نام افراد به اصطلاح معروف "ده بار گز کنند و یک بار ببرند" را در نظر داشته باشند.
و اما در ارتباط فعالیت های جذبی "سی.ای.ای" در ایران.

فعالیت های "سی.ای.ای" در ایران بعد از فاجعه ثور در خطوط کلی خود شامل سه مرحله میگردد، نخست قبل از
پیروزی انقلاب بهمن (دلو) ۱۳۵۷، دوم از دلو ۱۳۵۷ الی جوزای سال ۱۳۶۰ و از جوزای ۱۳۶۰ به بعد.

در مرحله نخست که تا آنزمان "ساواک" و همکار نزدیک منطقه ئی آن "موساد" از اختیارات رسمی کامل برخوردار بودند، نه تنها کار "سی.آی.ای" به غرض "شناسائی، انتخاب و جذب" افراد از بین پناهندگان و ملیونها آواره اقتصادی و سیاسی با کدام دشواری مواجه نبود بلکه با حمایت و همکاری صریح و قاطع "ساواک" در آنجا بیشتر از پاکستان با دستان باز عمل می نمودند.

"سی.آی.ای" در همان زمان با برخورداری از دوسیه های افراد در دفاتر "ساواک" به علاوه آنکه مخالفان خویش را می توانست شناسائی نماید، همکاران "ساواک" را که بالقوه همکار "سی.آی.ای" نیز بودند "دست چین" نموده آنهایی را که می توانستند، به درد روز های بعد شان بخورد، زیر نظر قرار می دادند، شاید بتوان بارز ترین نمونه چنین افرادی را در وجود "سید مخدوم رهین" مشخص ساخت.

در مرحله دوم که "ساواک" زیر ضربات انقلابی مردم آسیب برداشته و از جانب دیگر رژیم ولایت فقیه نیز تا آنزمان قادر نشده بود تا قدرت دولتی را تمامیت ببخشد و عملاً در یک کشور واحد، چندین نهاد استخباراتی از قبیل واحد اطلاعات سپاه پاسداران، استخبارات ارتش، ساواما، واحد اطلاعات کمیته های انقلاب، اداره آگاهی و ده ها مرکز جاسوسی هرچه آخندی مستقلانه فعالیت می نمود، کار "سی.آی.ای" به سادگی قبل از انقلاب نمی توانست باشد، مگر اوضاع حاکم و ناتوانی رژیم ولایت فقیه در کنترل کامل کشور، زمینه ساز آن گردیده بود تا "سی.آی.ای" با احیای تار های قبلی، در صدد تنیدن جال های جدیدی نیز بر آید. مشکل کار "سی.آی.ای" در آن مرحله مردد بودن بسیاری از کسانی بود که قبلاً با "ساواک" در ارتباط بودند مانند خوانین بلوچ و تنی چند از خوانین گلجائی نیمروز. آنها خود در سر دو راهی انتخاب دولت ایران و ادامه کار در چوکات جانشینان "ساواک" و بریدن از آن قرار داشتند، شواهد نشان می دهد که در تمام این سه دهه برخی از آنها قادر شدند، به اصطلاح هم به "میخ بزنند و هم به نعل". شاید بتوان بهترین نمونه ها را از این جمع در وجود "اسماعیل خان، برخی از قومندانهای حرکت اسلامی مربوط شیخ آصف محسنی، و کیل دوست محمد گرگیج، حاجی حلیم خان، سید مخدوم رهین و امثال آنها معرفی داشت.

از جوزای سال ۱۳۶۰ به بعد که رژیم ولایت فقیه کمترین اعتراض مخالفان را در داخل با شکنجه و طناب دار پاسخ می گفت، مبرهن است که نمی توانست به "سی.آی.ای" و "موساد" این امکان را مساعد بسازد تا به جذب افراد نایل آیند و از آن گذشته با جمع آوری افراد "ساواک" منحل و متشکل ساختن مجدد آنها بعد ها در "ساواک" که تماس مستقیم با "ک.ج.ب." آنزمان داشت، شرایط فعالیت "سی.آی.ای" در بین افغانهای داخل ایران تا حدودی محدود گردیده، به ناگزیر افراد معلوم الحالی مانند "سید مخدوم رهین" که از چند آخور آب می نوشند هنوز هم مورد استفاده آنها قرار می گیرد.

در نتیجه می توان گفت "سی.آی.ای" در قسمت جذب افغانها در ایران به مقایسه با تعداد پناهنده ایکه در آنجا وجود داشت و با در نظر داشت سطح تحصیلی بلند برخی پناهندگان، در مقایسه با پاکستان دست آورد چندانی نداشته روی همین ملحوظ هم است که امروز برخورد های "سی.آی.ای" با فارغ التحصیلان ایران تا حدودی با احتیاط توأم است و هرگاه کمترین شکی در مورد آنها احساس نماید، به مانند "رهین" تحت تربیت مجدد قرار می گیرد.

پ:-هند:

کار در هند برای "سی.آی.ای" از چند ویژگی خاص برخوردار بود:

۱- با آنکه نمی توانست به مانند پاکستان و یا حتا ایران به مرکز مخالفان رژیم مزدوران روس تکامل نماید و از لحاظ نفوسی هم هیچ گاهی تعداد پناهندگان افغان در هند از رقم ۵۰ الی ۶۰ هزار نفر زیادتر نمی شد چه به موازات آمدن افراد جدید از طرف ملل متحد افراد قدیمی راهی کشورهای دیگر می گردیدند، مگر باز هم به مثابه کشوری که تا آخرین روز حیات رژیم مزدور روس پرواز بین کابل و دهلی ادامه داشت، به خودی خود از ارزش خبری و اطلاعاتی خاصی برخوردار بود.

۲- هند خلاف پاکستان که از طریق پیمان های "سنتو و سیتو" در قید بردگی غرب در آمده بود، با وجود استقلال نمائی و دم از عدم انسلاک زدن، از بسا جهات به خصوص اکمالات نظامی و کمک های اقتصادی سخت و ایسته به مسکو بود.

۳- استخبارات هند "راو" یکی از متحدین محکم و پا برجای "ک.ج.ب" در منطقه بوده، دشمنی مشترک آنها با پاکستان به خصوص استخبارات ارتش آن کشور "آی.اس.آی"، با عث می گردید دوستان یکدیگر را دوست و دشمنان همدیگر را دشمن بدانند. در نتیجه با اطلاع از چگونگی روابط "آی.اس.آی" با "سی.ای.ای" مسلم است که عرصه کار "سی.ای.ای" به شدت از طرف دولت هند به خصوص "راو" کنترل و محدود می شد.*

۴- اقامت پناهندگان افغان در هند، به صورت کلی در مقایسه با پاکستان و ایران کوتاه بوده، بیشتر افراد و خانواده ها ظرف یک و یا دو سال موفق می شدند، تا از آنجا عازم یکی از کشورهای غربی گردند. آنها نیکه به نسبت بیکی و یا کدام دلیل دیگر نمی توانستند طی آن مدت از هند خارج شوند، یا روی همان دلایل برای "سی.ای.ای" لقمه دهن چرب کنی نبودند و یا آنکه از آن حد تعهد و عشق به میهن برخوردار بودند که کسی جرأت نزدیک شدن به آنها را نداشته باشد.

۵- روابط نزدیک پولیس و استخبارات هند با پولیس و خاد مزدوران روس، به مثابه تهدید دایمی بر بالای پناهنده، وی را وادار می ساخت تا خلاف سیاست آشکار هند که حمایت از دولت مزدور روسها بود، حرکت نکند.

۶- تقرر دوتن از افراد با تجربه و تا حدودی از لحاظ امنیتی مسلکی مانند "داکتر حسن شرق" به حیث سفیر و پرچمی معروف که از سوابق خدمت برای "ک.ج.ب" در سطح داکتر نجیب برخوردار بود یعنی "حشمت بچه جهان آراء خانم" به حیث قونسل در دهلی، نظارت بر پناهندگان را تشدید نموده، مانع کار آزاد "سی.ای.ای" در هندوستان می گردید.

با آنهم از آنجائیکه "سی.ای.ای" در آن مقطع سخت به همکاری در هر سطحی نیاز داشت، نمی توانست به رؤیت دشواری ها هند را از حیطة کار و نبرد خود بیرون بداند و به ناگزیر می باید مشکل خویش را از جائی مرفوع می نمود.

این امر تا جائیکه به امر نفوذ بین افغانها بر می گردد، براساس فضای باز تر در مقایسه با افغانستان گاهگاهی از افسانه های هزار و یک شب نیز مسخره تر می گردید. ضمن آنکه بازار اتهام زنی ها راجع به احمد و محمود زیاد بود و حتا یک نفر اتهامات خویش را بر فرد خاصی با نشر یک اعلامیه به صورت مستقیم مسؤولیت گرفت، مگر از آن جائیکه نه گذشته فرد متهم چنان حکمی را در باره اش اجازه می داد و نه آینده اش کمترین نشانی از همکاری با "سی.ای.ای" رانشان می دهد، اخلاقاً از ذکر نام وی خودداری نموده، همینقدر می گوئیم که چنان فضائی به هر نیتی که بوده باشد، تا حد زیادی به اختفای افراد اصلی "سی.ای.ای" منتج شد.

خارج از حدود افغانها، و تا حد زیادی خارج از مناسبات سفارت امریکا و حتا یک امریکائی سفید، "سی.ای.ای" به خاطر ایجاد شبکه کار خود در ارتباط با افغانها به اصطلاح یک ضد کمونیست تایوانی را در هند مستقر ساخته و از

آن طریق با بذل و بخشش پول به "شناسائی، انتخاب و جذب" افراد می پرداختند. این شخص که "سوامی سروپ" نام داشت و به اعتبار آنکه از پناهندگان چین کمونیست به تایوان و از آنجا به هند آمده است، تا حدودی از دید "راو" غایب مانده بود، شبکه گسترده ای از هندو ها را به نفع "سی.آی.ای" سازمان داده از طریق آنها با پناهندگان افغان نیز در تماس قرار داشت. یکی از معروفترین افغانهاییکه در همان زمان ارتباطش با "سوامی" از پرده بیرون افتاد، "معین باجوری" نام داشت. نام برده که اکنون زیر نام "معین مرستیال" در به اصطلاح پارلمان اداره مستعمراتی وکیل است و در جریان انتخابات در اداره مستعمراتی یکی از اعضای پر قدرت و با صلاحیت تیم "کرزی" به شمار می رفت، در زمان آمدن "گرومیکو" به هند روابطش افشاء شده و همه مردم دانستند که صرف به خاطر یک شب اعتصاب از طرف "سوامی" ۳۰ هزار کلدان که مساوی به ۳۰ ماهه معاش یک فامیل از طرف ملل متحد بود، دریافت داشته است. با آنکه مدت عمر کار "سوامی" در هند زیاد طول نکشید و بعد از مدتی فعالیت های وی لو رفته حتا چند تن از افراد کابینه هند را نیز با خود از قدرت به زیر کشید، مگر در همان زمان کوتاه قادر شد عده زیادی از پناهندگان برخاسته از بیروکراسی فاسد شاه مانند، میرمحمد صدیق فرهنگ، داکتر وکیل و برخی افراد دیگر را واسطه شده، با وجود یک بار رد شدن از طرف سفارت امریکا به صورت استثنائی به آن کشور اعزام دارد.

شاید بتوان بزرگترین موفقیت "سوامی" را در کشف و به خدمت گیری "حامد کرزی" رئیس اداره مستعمراتی کابل دانست. هر چند نظراتی وجود دارد که گویا "حامد کرزی" به وسیله برادرش "قیوم کرزی" که به نسبت مناسبات خانوادگی سابقه بیشتر با "سی.آی.ای" دارد، به "سی.آی.ای" جذب گردیده است، مگر سابقه آشنائی حامد کرزی با "سوامی" نشان می دهد که در بهترین صورت روابط قیوم فقط می توانسته ممد کار و پایه ترقی "حامد کرزی" را فراهم نماید نه چیزی بیشتر از آن.

در هر صورت، "سی.آی.ای" با وجود مشکلاتیکه در هند سر راه کارش قرار داشت، به کمک سفارت آن کشور، نمایندگی ملل متحد و سفارت های کشورهای غربی دوست امریکا در حد توان با دستان پر در آنجا کار نموده است. ادامه دارد

** - خلاف آنروز که مناسبات "سی.آی.ای" با "راو" زیاد نزدیک نبود، به دنبال اضمحلال شوروی و به خصوص بعد از اشغال افغانستان و آمدن امریکائی ها در بغل گوش کشور هند، به موازات بهبود روابط بین دو کشور، رابطه بین نهاد های استخباراتی آنها نیز خوب و عمیق شده امروز "سی.آی.ای" می کوشد تا "راو" را در زمینه تربیت کادر و مواد لوژستیک در مبارزه علیه تروریسم اسلام سیاسی که هند نیز یکی از قربانیان آن به شمار می رود، کمک نماید. فراموش نباید کرد که "سی.آی.ای" در عین حال "آی.اس.آی" را در قسمت پرورش تروریست سالها کمک نموده تا بدینجا رسیده است. برخورد "سی.آی.ای" با هند و پاکستان تجسم کاملیست از ضرب المثل معروف مردم ما که گفته اند: "دزد را می گوید دزدی کن صاحب خانه را می گوید هوشیار باش"*